



یادداشت امروز

نظم نوین منطقه بر محور
بی اعتمادی به آمریکا

■ ماشاءالله ذراتی ■

سرعت تغییر و تحولات در منطقه غرب آسیا بیش از هر زمان دیگری، پیچیدگی، فرصت‌ها و تهدیدات نوینی را پدید آورده است. سیاست‌های واقع‌گرایانه و منطقی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ارزش و کرامت انسانی رفته‌رفته اثرات و جلوه‌های خود را نمایان می‌کند تا آنجا که «کسیپنجر» نسبت به ظهور امپراتوری ایران هشدار می‌دهد و «المریخی» وزیر مشاور دولت قطر در مقابل تحریم کنندگان این کشور، علنا ایران را «شریف» توصیف می‌کند. روی دیگر سکه افزایش نفوذ ایران که تأثیر و تاثرات متقابل بر یکدیگر دارد، افول و کاهش نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه است.

مهم‌ترین طرح آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه که همان «پلن آ» یا خاورمیانه بزرگ بود با شکست مواجه شد. بر اساس این طرح قرار بود منطقه درگیر جنگ‌های مذهبی شیعه و سنی شده و در نهایت برای حل و فصل این درگیری‌ها مرزبندی‌های جدیدی در منطقه اعمال شود؛ نقش اصلی انجام این طرح هم بر عهده گروه‌های تکفیری یوزده داعش قرار داشت.

تکرار مکرر کلیدواژه «جنگ‌های ۳۰ ساله» توسط استراتژیست‌ها و مقامات غرب و آمریکا گواه آشکاری است بر پیچیدگی و اهمیت این طرح نزد طراحان آن. در یک نمونه «پیچارد هاس»، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا در یادداشتی در روزنامه فایننشال تایمز در ماه مارس ۲۰۱۵ نوشت: «خاورمیانه در حال تجربه چیزی است که به گمان من نسخه مدرنی از جنگ‌های ۳۰ ساله در درون و فراتر از مرزها با انگیزه‌های سیاسی و دینی است». «جان کری» وزیر وقت خارجه آمریکا نیز دسامبر ۲۰۱۵ در یک مصاحبه با نشریه آمریکایی «نیویورکر» گفت: «خاورمیانه در آستانه جنگ ۳۰ ساله قرار گرفته است»

در حین اجرای «پلن آ»، ایالات متحده به بهانه مبارزه با داعش در حال آماده‌سازی «پلن ب» خود؛ آموزش و تسلیح گروه‌های کرد در منطقه بود تا اگر نقشه اول با شکست مواجه شد به سرعت بتوانند نقشه دوم را اجرا کند.

امروز دیگر برای ایالات متحده و اسرائیل محرز شده نقشه اول با شکست مواجه شده و بزودی کار گروه‌های داعش و القاعده در سوریه و عراق و لبنان پایان خواهد یافت. شکست زودتر از موعد و حد تصور نقشه آمریکا و صهیونیست‌ها در منطقه و هراس و کینه روزافزون آنها از پیروزی‌های جریان ضد داعش و نفوذ ایران که منطقه آنان را بر آن داشت پلن دوم خود را که جهت فعال‌سازی هنوز به بلوغ کامل نرسیده بود اجرا کنند.

همه‌پرسی کردستان عراق پلن دوم آمریکا و رژیم صهیونیستی در جهت تقسیم کشورهای منطقه است که مرحله چینیسی را طی کرده اما هنوز به بلوغ و آمادگی کامل جهت اجرا نرسیده بود، لذا در نهایت این طرح آمریکایی - صهیونیستی نیز شکست خواهد خورد.

نکته جالب اینجاست که در هر دو طرح، آمریکا و رژیم صهیونیستی بیش از پیش نفوذ منطقه‌ای خود را از دست دادند. طرح اول - جنگ‌های ۳۰ ساله - باعث همگرایی و اتحاد بیشتر محور ایران - عراق - سوریه و در مرحله بعد ورود روسیه و همگرایی بیشتر روس‌ها با این محور شد. در طرح دوم تقسیم منطقه نیز آمریکا و اسرائیل بازنده میدان هستند؛ چه اینکه با اجرای طرح دوم، ترکیه نیز به محور ایران - روسیه - عراق - سوریه نزدیک‌تر و همگرا شد. همگرایی و همکاری سریع ایران و ترکیه پیرامون همه‌پرسی استقلال کردستان نیز فراتر از حد تصور و پیش‌بینی اسرائیل و آمریکا بود تا آنجا که «سپما شاینه» که به اقرار روزنامه «بیدعوت آحاروتوت» از تحلیلگران ارشد موساد است ۵ همراه در یادداشتی در مرکز مطالعات امنیت اسرائیل با اشاره به بهبود...

ادامه در صفحه ۵



رئیس‌جمهور آمریکا یک بار دیگر ایران را به نقض برجام متهم کرد

خط و نشان برای آخر هفته

صفحه ۲

اصلاحات کار یکتاوری در جهت تثبیت دیکتاتوری!

■ امیر استکی ■

غربی عربستان همین حد از اهتمام به آزادی و باز کردن جامعه، برای توجیه افکار عمومی کشورهای خود کفایت کند.

مشخص است که تلاش‌های رفرمیستی امروز بیشتر از همه اما برای هموار کردن قدرت برای ولیعهد جوان نابخرد و تبدیل او به یک قدرت مطلقه است تا در دعوای خاندانی که هر گوشه آن قدرتی بالا دارد و هر آینه احتمال طغیان بر شاه و ولیعهد سوداگرس وجود دارد؛ این بین سلمان باشد که غالب در نزاع برای بقای در قدرت باشد. در حقیقت همان‌گونه که در تیتیر به آن اشاره شده، رفتار امروز حاکمیت سعودی بیش از همه یک تناقض مضحک است؛ چنانکه همه این چند حرکت به اصطلاح آزادیبخش قرار است منتهی به تقویت و مطلقه شدن دیکتاتوری و حکومت استبدادی باشد.

اما بیش از این به نظر می‌رسد عربستان هم تا حدود بسیار تعدیل شده‌ای راهی را که قطر و امارات عربی متحده رفتند در پیش گرفته است. اگرچه عربستان در این مسیر مشکلات بزرگی خواهد داشت؛ مشکلاتی که ناشی از پر قدرت بودن وهابیت با یک‌سوی جمعیت به نسبت زیاد-در حقیقت با شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس- و همچنین وجود ضمنی تکسر مذهبی متمرکز در مناطق شرقی این کشور است. البته به نظر می‌رسد عربستان این شانس را نخواهد داشت که مانند شیخ‌نشین‌های اطرافش به علت وسعت کم و منابع بسیار زیاد و بحران اقتصادی که بعید است از آن بتواند خارج شود، اصولاً بتواند شکاف طبقاتی جامعه را بی‌اثر کند ولی شاید بتواند در پارای از شهرهای خود چنین مدلی را پیاده کند و مابقی عربستان و شهرهای مذهبی آن را در همین وضعیت کنونی برای کنترل فشارهای مذهبی باقی بگذارد- آن هم با این غفلت که بخشی از این تغییرات اصطکاک‌های مذهبی را چه از طرف شیعیان و چه از طرف اهل سنت برمی‌انگیزد- و شاید هم مسیر انقراض سلطنت را در پیش گرفته باشد.

هر دوی آنها مشترک است. اگر چه حاشیه‌نشینان خلیج‌فارس به علت کوچکی بسیار کشورهای خود و بیشتر می‌توانند در این بحر توهم غرق باشند و شاید در کشورهایی که هر کدام به اندازه یکی از استان‌های کوچک ایران هستند سطحی از راه برای شهروندان فراهم باشد که مینا قرار گرفتن فقر و شکاف‌های معیشتی برای مطالبات اجتماعی را بی‌اثر کند اما عربستان سعودی در این میان با حاشیه‌نشینان خلیج‌فارس متفاوت است. عربستان کشوری وسیع و تقریباً پرجمعیت است. شیبه ایران پیش از انقلاب در آنجا هم کالست بسته خاندان سعودی دارندترین کالست اجتماعی است و رانته‌ها و فرصت‌ها همه در قُرب و بُعد با این کالست تقسیم می‌شود. عربستان کشور پهناوری است که در آن وضعیت در پیرامون بسیار متفاوت از مرکز است. چالش با نظام حاکم قرار دهند. آنچه در عربستان در این روزها در حال اتفاق افتادن است، ناشی از آن چیزی است که جبرهای بیرونی بر عربستان در سواهی قدرت بیشتر منطقه‌ای، تحمیل می‌کنند. اعطای حق راندگی و صدور قسوا و حضور در استادیوم‌ها به زنان و برداشتن ممنوعیت پخش ترانه‌های خوانندگان زن از تلویزیون همه در همین راستاست. حالا شاه عربستان ولیعهد همه‌کاره‌اش می‌تواند تصویر عربستان سنتی و خشن را با همین ۲-۳ حرکت سطحی خرنگ کن، به چالش بکشد و به نظر برای حامیان خارجی و متحدان

غربی عربستان همین حد از اهتمام به آزادی و باز کردن جامعه، برای توجیه افکار عمومی کشورهای خود کفایت کند.

نگاه امروز

ضعف جامعه مدنی در عربستان سعودی به حدی است که نمی‌توان چشم‌انداز یک تحول زیربنایی در ساختارهای قدرت در آن را امری محتمل در کوتاه‌مدت دانست. آنچه در عربستان در حال روی دادن است، نوعی شبه‌مدیریت فرمایشی است. شبیه آنچه در زمان حکومت خاندان پهلوی در ایران روی می‌داد و خاصه محمدرضا پهلوی با به راه انداختن پارای به اصطلاح اصلاحات ساختاری به دنبال بزک کردن چهره خشک و خشن حکومت خود بود. در آنجا بیش از آنکه تغییراتی از درون جامعه به سطوح کلان رسیده باشد، این ضروریات حکومتداری استبدادی در دوران بسط و گسترش رسانه‌ها بود که شاه ایران را به نشان دادن چهره‌ای جدید و مدرن از ایران در انتظار جهانی وامی‌داشت و البته پس از یک حکومت ملی که با کودتای انگلیسی-آمریکایی ساقط شده بود و شکل‌گیری سیستم‌های امنیتی عریض و طویل ترجیح دیکتاتور بر آن بود که یک قدرت مطلقه باشد و این مسیر را تنها از بستر همان رفم وارداتی از آمریکا می‌دید. شاهنشاه ایران در این امر ناموفق بود چون تقلبی بودن و ناکارآمدی تغییرات عیان بود و همچنین بستر انسجام و همبستگی اپوزیسیون در وسعت یک ملت به اوج رسیده بود و سلطنت در ایران کمی پس از روزهایی که شاه خود را در آستانه فتح تمدنی بزرگ می‌دید به دست مردم در جریان انقلاب اسلامی ۵۷ منقرض شد.

در میان کشورهایی که هنوز نظام پادشاهی در آنها قدرت واقعی را در دست دارد، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و در رأس آنها عربستان سعودی جزو مهم‌ترین موارد هستند. کشورهایی که در بعضی از آنها ضعف کلی کوچک بودن سرزمین در کنار ثروت سرشار به یک مزیت بزرگ برای ساختن جامعه‌ای کاملاً مدیریت‌شونده و فرجه‌انجامیده است. کشورهایی که کوبت و قطر بهترین نمونه‌های آن هستند. قطر خود را یک کشور آزاد می‌داند. یکی

تیتیرهای امروز

سکته در
ابوعطای
سعودی

■ بازگشت عربستان به فهرست سیاه سازمان ملل به خاطر «فرض حقوق بشر و دست داشتن در مرگ یا معلولیت ۷۰۰ کودک یمنی» نمایش اصلاحات در این کشور را رسوا کرد



صفحه ۱۵

سرلشکر باقری در مراسم دومین سالگرد شهادت سردار همدانی عنوان کرد

شهادت همدانی‌ها
رویش حجی‌ها

صفحه ۲

ورود نخستین محموله نفت خام آمریکا به هند

جنگ نفتی آمریکا
علیه ایران کلید خورد

صفحه ۲

حتی سران حزب محافظه‌کار هم خواهان کناره‌گیری نخست‌وزیر انگلیس هستند

سقوط می
در فاجعه اکتبر

صفحه ۱۵

دل‌نویس

سخنی با خدا

اللهم عجل لولیک الفرج

■ حسین قدیانی ■

روزهای منتهی به دهه اول محرم، مشهد بودم. شب عاشورا و فی‌الواقع روز نهم محرم، سخنران مراسم باشکوه رواق امام خمینی، وسط سخنرانی و از قضا مرتبط با موضوع سخن خود، از آن جمعیت واقعا عظیم خواست ۱۰ مرتبه بگویند «اللهم عجل لولیک الفرج»؛ بالطبع من هم این دعا را با آفریننده زمین و زمان و آسمان و عالم و آدم، مطرح کردم لکن همان‌جا و همان حین دعا، عجیب فرو رفتم در فکر در فکر اینکه جمعیت حاضر در مراسم چقدر است؟! و این تعداد آدم، اگر در ۱۰ ضرب شود، چقدر می‌شود؟! و چه تعداد «اللهم عجل لولیک الفرج» می‌شود؟! و گرم حدود این عدد را بشود تخمین زد؛ آیا اصلا و اساسا قابل محاسبه است که از اول خلقت تا الان و اقل از نخستین روز غیبت حضرت صاحب‌الزمان تا الان، چه تعداد آدم، چه اندازه این دعا «اللهم عجل لولیک الفرج» را با خدای خود نجوا کرده‌اند؟! و آیا همه این آدم‌ها، روسیاهی چو حقیر بوده‌اند که از فرط گناه و غفلت، دعای‌شان فراتر از سقف خانه نرود؟! بیایم وارد مصادیق شویم؛ درانه‌ای چون «یست‌الله قاضی» چند بار از خداوند خواسته که «اللهم عجل لولیک الفرج»؟! عراقی چون «آیت‌الله بهجت» چند بار؟! «حضرت امام» چند بار؟! «حضرت آقا» چند بار؟! «قاسم سلیمانی» چند بار؟! «محسن حججی» چند بار؟! «ابراهیم هادی» چند بار؟! «ابراهیم همت» چند بار؟! «احمد متوسلیمان» چند بار؟! و بر فرض، من و ما نزد خدا آبرویی نداریم؛ آبرودارانی که اسامی‌شان را بر دم چه؟! اصلا آیا می‌توان شمرد که در تمام طول ۸ سال دفاع‌مقدس، چه تعداد شهید و جانباز و رزمنده و آزاده و مشخصا چه عدد، «اللهم عجل لولیک الفرج» گفته‌اند؟! مذافقان بی‌ادعای حرم؟! خوبان خلوت‌نشین روزگار؟! طرفه حکایت اینجاست که ناظر بر اهمیت مطلق گره‌گشایی از کار جهان، احدی نمی‌تواند ادعا کند بیش از «مهدی فاطمه» تمنای ظهور از خدا داشته!

خدایا! خداوند! یقین قلبی ما و باور قطعی ما این است که تو صدای همه بندگان را می‌شنوی و خواسته بحق ایشان را اجابت می‌کنی، ولو آنکه کوچک‌ترین بندگان تو باشند و ساکن دورترین جای هستی!

ادامه در صفحه ۵

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

فرماندهی معزز کل قسا (مدتله العالی):
ما باید نیروی انتظامی در تراز جمهوری اسلامی و دولت اسلامی و یک جامعه اسلامی و قرآنی داشته باشیم و به توفیق الهی دست پیدا می‌کنیم.
هفته ناچا ۱۴ تا ۲۰ مهر / سازمان عقیدتی سیاسی ناچا